

پارادوکس سرمایه اجتماعی تحصیل کردگان ایرانی: بررسی رابطه آموزش عالی و سرمایه اجتماعی در ایران

غلامرضا ذاکر صالحی*

چکیده: سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است. مطالعات موجود در سطح جهان عموماً وجود رابطه مثبت بین آموزش و ارتقای سرمایه اجتماعی را تأیید کرده است. در این پژوهش پانزده مورد از این مطالعات در خارج از کشور و سیزده مورد از مطالعات داخل کشور فرا تحلیل و بررسی شده است. بر خلاف رابطه متقابل و مثبت بین سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، مطالعات موجود در ایران نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی نتوانسته است نقش چندانی در ارتقای سرمایه اجتماعی تحصیل کردگان ایفا کند. فرا تحلیل دو گروه از مطالعات داخل و خارج از کشور این نظریه معنایی را برجسته ساخت که بر خلاف تحقیقات جهانی، افزایش تحصیلات در ایران تأثیر منفی بر میزان سرمایه اجتماعی ایرانیان دارد. بررسی این دو روند متناقض گونه گام بعدی این مطالعه برای حل این ناسازگاری سامان داد و ۹ وجه گوناگون از مسئله طی فرا تحلیل بازخوانی شد. در پایان پیگیری شش سیاست برای پر کردن شکاف موجود و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی تحصیل کردگان دانشگاه کشور پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، آموزش، آموزش عالی، اعتماد، شبکه ها و هنجارها.

۱. مقدمه

لازمه شکل‌گیری و بقای اجتماع علمی تعامل در شبکه‌های علمی، پیوندهای مبتنی بر نظام پاداش ویژه و مشارکت در تولید ایده‌های جدید است. در چنین شرایطی به همان نسبت که اجتماع علمی رشد می‌کند، متناظر با آن سرمایه اجتماعی نیز ارتقا خواهد یافت، زیرا بسیاری از مؤلفه‌های این دو مشترک‌اند.

در رویکرد جامعه محور به کارکردها و وظایف دانشگاه آموزشهای رسمی و مستقیم دانشگاهی فقط بخشی از برنامه‌ها را سامان می‌دهد. در کنار آن شکل‌گیری روحیه علمی، جستجوی نظام یافته در دانشجویان، نقد، خلاقیت، توانایی برقراری ارتباطات اجتماعی، توان بازآفرینی، توانایی تلفیق و ترکیب ایده‌ها، آینده‌نگری، مشارکت‌پذیری و تثبیت هویت در تعامل با دیگران نیز مطرح می‌شود.

در حقیقت، دانشگاه آخرین حلقه تربیت مدنی انسانهایی است که در ابعاد شناختی، عاطفی و عملی به سطح قابل قبولی برای تصدی مدیریت اجتماعی رسیده‌اند [۱].

بنابراین، فرایند آموزش حامل نوعی جامعه‌پذیری جدید است. تحصیل در یک محیط علمی با خرده فرهنگ خاص خود انتقال‌دهنده ارزشها، هنجارها و فرهنگ خاص خود است و پیوندها و شبکه‌های اجتماعی جدیدی را به ارمغان می‌آورد و به ارتقای سرمایه اجتماعی دانش‌پژوهان منتهی می‌شود.

بر خلاف رابطه متعامل و مثبت بین سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، مطالعات موجود در کشور ایران نشان می‌دهد که نظام آموزش ما، به ویژه اجتماع دانشگاهی، قادر به درونی‌سازی و انتقال ارزشها و هنجارهای علمی - فرهنگی به دانش‌پژوهان نیست؛ به دیگر سخن، آموزش در افزایش سرمایه اجتماعی نقشی ندارد.

هر چند مبحث سرمایه اجتماعی نسبتاً جدید است، اما جامعه علمی به نحو روزافزونی به نقش و تأثیر آن در فرایند توسعه آگاه‌تر و معتقدتر می‌شود. در کشور ما نیز برای نخستین بار در سال ۱۳۸۳ در قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۹۸ به دولت تکلیف شده است که به صورت سالانه و مستمر به سنجش سرمایه اجتماعی ایرانیان و احصای علل و عوامل تأثیرگذار بر آن اهتمام ورزد.

بدیهی است که در فرایند سنجش سرمایه اجتماعی جنبه‌های مسئله‌ای (پروبلماتیک) وضعیت آن روشن می‌شود. از سویی، به دلیل نقش کلیدی تحصیل‌کردگان در توسعه دانایی

محور که از اهداف برنامه چهارم توسعه است، بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی این قشر اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. در نوشته حاضر با اتکا بر پژوهشها و پیمایشهای قبلی کوشش شده است تا وجه مسئله‌زای سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان ایرانی مطرح و نظر سیاستگذاران کشور به سوی شناخت شکافها و تعارضهای موجود در این زمینه جلب شود.

۲. تعریف سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

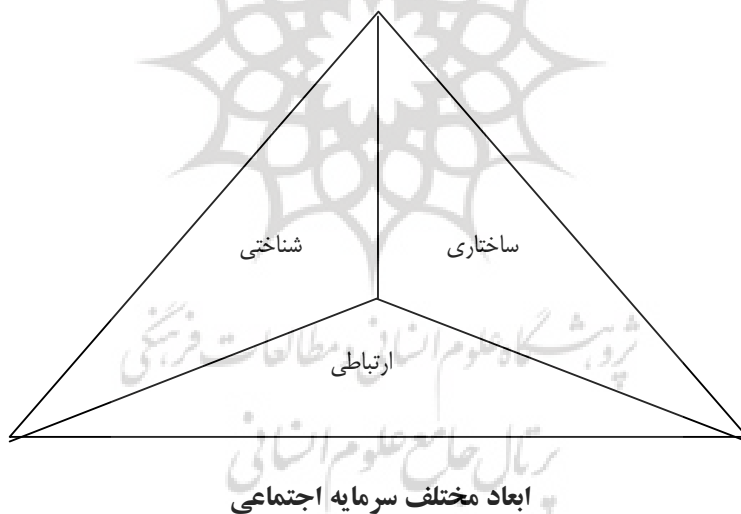
به اعتقاد پاتنام سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که تسهیل‌کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است [۲]. محور بیشتر تعاریف ارائه شده دیگر نیز حول اعتماد، پیوندها و شبکه‌هاست. از این رو، تعریف پاتنام در این نوشتار بر دیگر تعاریف ترجیح داده می‌شود. در جدول ۱ خلاصه‌ای از تعاریف مختلف ارائه شده است [۳، ۴، ۵].

جدول ۱: تعاریف سرمایه اجتماعی

اندیشمندان	تعاریف
کارل مارکس	همبستگی از روی اجبار: پناهندگان و مهاجران در کنار هم در یک محله.
جورج زیمل	داد و ستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند، قواعد و هنجارهای آن.
امیل دورکیم، پارسونز	تعهداتی که مبنای آنها ارزشها و هنجارهای اجتماعی است.
ماکس وبر	مفاهیمی که به اعتماد معطوف‌اند.
پیربوردیو	منابع بالقوه یا واقعی که حاصل شبکه‌های ماندگار از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل است.
جیمز کلین	روابط میان اشخاص، گروهها و اجتماعات که کنشها را تسهیل می‌کند.
رابرت پاتنام	مجموعه‌ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند کارایی سازمان را تسهیل کنند.
فوکویاما	مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی که اعضای گروهی که در میانشان همکاری و تعاون وجود دارد در آن سهیم هستند.
لین	مجموعه شبکه‌ها و کنشهای متقابل افراد که موجبات موفقیت کنش را فراهم می‌آورد.
کلن لوری	تفاوت در میزان برخورداری از فرصتها [از طریق ارتباطات اجتماعی] برای جوانان وابسته یا غیر وابسته به اقلیت‌های نژادی.
بیکر	منبعی که کنشگران آن را از ساختارهای خاص اجتماعی می‌گیرند.
اینگلهارت	فرهنگ اعتماد و مدارا که در آن شبکه‌های گسترده سازمانهای داوطلبانه می‌روید.
شیف	مجموعه‌ای از عناصر ساختار اجتماعی که بر روابط میان مردم اثر می‌گذارد.
بانک جهانی	پدیده‌ای که بر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها و کیفیت تعاملات اجتماعی مؤثر است.
کرینت نروکی نی کی	نیروی سازنده‌ای که محصول اعتماد، نیک اندیشی، همکاری و پیوندهای استوار است.

نا‌هائیت و گوشال سه جنبه متمایز برای سرمایه اجتماعی قایل‌اند: ۱. جنبه ساختاری شامل روابط شبکه‌ای، پیکربندی روابط شبکه‌ای و سازمان مناسب؛ ۲. جنبه شناختی شامل زبان و اسطوره‌های مشترک؛ ۳. جنبه ارتباطی شامل اعتماد، هنجارها، تعهدات و انتظارات متقابل و هویت مشترک [۶].

دسته بندی دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه «کندی» دانشگاه هاروارد انجام شده است. این گروه مطالعاتی ابعاد یازده‌گانه‌ای را شناسایی کرده‌اند که عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، اعتماد میان نژادهای مختلف، مشارکت سیاسی عادی، مشارکت سیاسی نقدانه، رهبری مدنی^۱، مشارکت مدنی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی^۲، بخشش و روحیه داوطلبی^۳، مشارکت مذهبی^۴، عدالت در مشارکت مدنی، تنوع معاشرتها و دوستیها [۷]. مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور بیشتر این ابعاد را پوشش داده است.



1. Civic Leadership
2. Informal Social Ties
3. Giving & Volunteering
4. Faith- Based Engagement

۳. چارچوب نظری

۳.۱. رابطه سرمایه اجتماعی و آموزش

حداقل در سطح تئوریک انتظار بر این است که ارتقای تحصیلات و سرمایه انسانی بر مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی؛ یعنی اعتماد، پیوندها و شبکه‌ها تأثیر مثبت و فزاینده‌ای داشته باشد، زیرا آموزش با جامعه پذیری علمی همراه است و در یک شرایط گروهی و اجتماعی صورت می‌پذیرد و ذخایر جدیدی از روابط و پیوندها را بین همکلاسیها، معلمان و استادان شکل می‌دهد. در پیمایش ارزشهای جهانی در بیشتر کشورها متغیر تحصیلات و آموزش با سایر متغیرهای اجتماعی در ارتباط است.

اگر چه اشکال خودجوش یا مردمی سرمایه اجتماعی در جامعه وجود دارد، اما سازمانهایی نیز وجود دارند که دولتها با کمک آنها به دنبال گسترش ارزشهایی هستند که از تعهد مدنی حمایت می‌کند؛ یکی از این سازمانها نظام آموزشی است. در سالهای اخیر، آموزش به عنوان یکی از تولیدکنندگان قدرتمند سرمایه اجتماعی مطرح شده است. شواهد تجربی نیز نقش مثبت آموزش در ایجاد سرمایه اجتماعی را نشان داده‌اند. مطالعات متعدد نشان دهنده این مسئله است که در مدارس که آموزش شهروندی در آنجا تدریس می‌شود و دانش آموزان در معرض ارزشهای مدنی قرار می‌گیرند، احتمال بیشتری وجود دارد که دانش، مهارتها و ارزشهای لازم برای ایجاد سرمایه اجتماعی کسب شود. این افراد برای پیوستن به فعالیتهای داوطلبانه تمایل بیشتری دارند، بیشتر در فعالیتهای سیاسی مشارکت می‌کنند، اعتماد اجتماعی بیشتری به افراد و سازمانها دارند، می‌توانند بین گروههای مختلف پل بزنند و کلاً تعهد مدنی بیشتری دارند. بنابراین، می‌توان آموزش شهروندی را به عنوان ابزاری در نظر گرفت که به طور مستقیم از طریق ایجاد دانش و مهارتهای لازم و به طور غیرمستقیم از طریق ایجاد شبکه‌ها (سرمایه درون گروهی) و تقویت پیوند بین گروهها (سرمایه بین گروهی) به ذخیره و ایجاد سرمایه اجتماعی کمک می‌کند [۸]. آموزش می‌تواند با تقویت اعتماد و مشارکت بین گروههای مختلف پیوند (سرمایه اجتماعی بین گروهی) ایجاد کند و زمینه ساز تعامل بین هویتها و آموختن آنها از یکدیگر شود.

پانام معتقد است که هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن [از جمله آموزش مدنی] و نیز از طریق اعمال مجازاتها به افراد جامعه تلقین و در آنها تثبیت می‌شوند [۲].

کلمن خط ارتباط سه مفهوم سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی (آموزش و مهارت) و سرمایه اجتماعی را توضیح داده است. به نظر وی همچنان که سرمایه فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد به منظور شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند به وجود می‌آید، سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای کسب مهارت‌ها توانایی‌هایی در آنها به وجود می‌آورد و آنها را در رفتار به شیوه‌ای جدید توانا می‌سازد. سرمایه اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل سازد [۹].

نظریه پردازانی نظیر گیدنز بین دو نوع اعتماد تمایز قایل می‌شوند: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. افراد می‌توانند در باره میزان ارزش اعتماد به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به «نظام‌های تخصصی» می‌نامد. ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل او یا خانه او را ساخته است شناختی نداشته باشد، ولی در خصوص نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت دارای میزانی از اعتماد باشد [۱۰]. بدیهی است که هر چه میزان تحصیلات این کنشگر بیشتر باشد، احتمال افزایش اعتماد او به نظام‌های تخصصی بیشتر خواهد بود.

در مجموع، نظریه منتخب در این مقاله بر اساس مطالعات کلمن انتخاب شده است که در بخش‌های بعدی به پاره ای دیگر از مطالعات ایشان استناد شده است.

۲.۳. روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر کیفی است و در آن از روش فرا تحلیل کیفی^۱ استفاده شده است. ابتدا داده‌های کیفی مشتمل بر پژوهش‌های در دسترس داخل و خارج از کشور که در آنها عنصر تحصیلات مورد مطالعه قرار گرفته است، به صورت منظم طبقه‌بندی و ارائه شده‌اند. سپس، تلاش شده است تا تصویر کلان این پژوهش‌ها از طریق استخراج و تدوین نکات عمده آنها فرا تحلیل شود.

-
1. Expert System
 2. Qualitative Meta Analysis

فرا تحلیل یکی از انواع مطالعه سیستماتیک و بررسی و تحلیل منظم^۱ است. فرا تحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده را استنتاج کرد و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست. در روش فرا تحلیل ابتدا از طریق شکستن اجزای کل به ماورا و فراتر از کل اولیه می‌رسیم و سپس، تحلیل اولیه را به نحوی منتقل یا تبدیل می‌کنیم که یافته‌های نامناسب در چارچوبی قابل قبول قرار گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب شده اطلاعاتی را نشان دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس، با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام، یک کل جدید را تشکیل می‌دهند [۱۱].

آنچه بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده است، نقش آن در ترکیب و یکپارچه سازی پژوهشهایی است که به صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. از نظر روش شناختی نیز فرا تحلیل می‌تواند به روشنی خلأها و مشکلات و نواقص پژوهشها و مطالعات انجام شده را نشان دهد. در حقیقت، پایایی^۲ این نوع تحقیقات از طریق تقابل یافته‌های پژوهشی و روایی^۳ آنها از طریق آزمون سازگاری آنها با واقعیتها به دست می‌آید و هر دو اینها مرهون انباشت دانش و توسعه آن در فرا تحلیل است [۱۲].

۳.۳. پرسشهای تحقیق

در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی مطالعات پیشین پاسخ پرسشهای زیر به دست آید:

- در مطالعات موجود در سطح جهان چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و آموزش (تحصیلات) وجود دارد؟
- در مطالعات انجام شده در داخل کشور چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و آموزش عالی وجود دارد؟
- فرا تحلیل این دو گروه از مطالعات چه نکات جدیدی را به دست می‌دهد؟
- چنانچه بین این دو گروه از مطالعات تعارض و ناهمخوانی وجود داشته باشد، با چه فرا تحلیل و احتمالاتی می‌توان برای حل ناسازگاری اقدام کرد؟

1. Systematic Analysis

2. Reliability

3. Validity

۳.۳.۱. نگاهی به پژوهش‌های خارجی

مطالعه هلیول و پاتنام در کشور آمریکا نشان می‌دهد که افزایش میانگین سطوح آموزشی اعتماد را بالا می‌برد و سطوح مشارکت را به عنوان دومین مؤلفه سرمایه اجتماعی کم نمی‌کند [۱۳]. اما مطالعه مشابه در کشور کانادا نشان دهنده این نکته است که پیامد شغل‌های افراد فارغ‌التحصیل وابسته به محرک‌های اجتماعی وسیع‌تری، نسبت به آنچه آنها در دانشگاه فرا گرفته‌اند، است [۱۴].

تحقیق دیگر در کشور آمریکا نشان داد که مطلق آموزش (آموزش خود فرد) تأثیر چندانی در سرمایه اجتماعی ندارد، بلکه این نسبت آموزش (سطوح آموزشی جامعه) است که تأثیر دارد؛ به طوری که رفتار من می‌تواند نه تنها تحت تأثیر آموزش، بلکه توسط افراد دیگری که در اطرافم هستند قرار گیرد. برای مثال، در مؤلفه مشارکت باید گفت که من بیشتر یا کمتر مایل هستم تا در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مشارکت کنم، اگر آنهایی که اطرافم هستند تحصیلات بیشتری داشته باشند [۱۳].

در مقابل دیدگاه کلمن که بر سرمایه اجتماعی پیوسته^۱ تمرکز دارد، استانتون سالازار و دورن بوش دستاوردهای آموزشی و سرمایه اجتماعی را با توجه به شبکه‌های اجتماعی دانشجویی مورد بررسی قرار داده‌اند. عامل دسترسی به اطلاعات شامل توصیه‌های مشخص در باره تصمیمات آکادمیک، آینده طرح‌های آموزش و اشتغال و دسترسی به قانون، خدمات سلامت و بهداشت و کار مورد توجه و مطالعه قرار گرفت. آنها تصویر پیچیده‌تری را یافتند که در آن عواملی چون دو زبانه بودن و سرمایه فرهنگی مشارکتی عواملی کلیدی در دسترسی دانشجویان به منابع اطلاعات و به درجات منابع پایه محسوب می‌شوند [۱۵].

در مطالعه روسین و هایلند این نتیجه به دست آمد که سرمایه اجتماعی دانشجویان در گروه‌های یادگیری، مشارکت گروهی را به دنبال می‌آورد و به رشد شناختی و اخلاقی اعضای گروه منجر می‌شود و میزان تعاملات آنها را افزایش می‌دهد [۱۶].

مطالعه جولیا پریس بین زنان متأهل و مسلمان مشغول به تحصیل در مراکز آموزش بزرگسالان در کشور انگلستان نشان داد که آنان از طریق شرکت در این آموزشها توانستند

ساخت سرمایه اجتماعی موجود را ارتقا بخشند و قدرت روابط خود را که بر خودآگاهی آنها و حس اعتمادشان بر دیگران تأثیر می گذاشت، از نو بازسازی کنند [۱۷].

۲.۳.۲. آموزش مهندسی و سرمایه اجتماعی

فلیک و ویلیامسون مطالعه خود را بر رابطه آموزش مهندسی با سرمایه اجتماعی متمرکز ساخته و توضیح داده‌اند که دانشگاهها اهدافی را برای دانش‌آموختگان در نظر می‌گیرند تا در محل کار خود همانند یک شهروند مسئول ایفای نقش کنند؛ دانشجویان موظفاند نه تنها مهارت در یک موضوع خاص، بلکه مهارت‌های شهروندی اجتماعی و شغلی را نیز فرا گیرند. به اعتقاد این پژوهشگران رسیدن به این اهداف با مؤلفه‌هایی چون گذشت زمان، جوّ دانشگاهی فردی و رقابتی مرتبط است. آنها نتیجه می‌گیرند که شیوه‌های سنتی در برنامه‌های درسی مهندسی که فقط به قصد ایجاد مهارت در زمینه‌های خاص‌اند، برای این حیطه کافی و درست نیستند. در این مقاله توصیه شده است که دانشگاهها برای دانشجویان سرمایه اجتماعی تولید کنند؛ سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و ارزش این شبکه‌ها و هنجارهاست. ارزش سرمایه اجتماعی در زمینه‌های متعدد شامل تجارت، اقتصاد و جامعه شناسی است. در مطالعه فلیک و ویلیامسون سرمایه اجتماعی دانشجویان مهندسی با مؤلفه‌های زیر ارتباط مثبت داشته است [۱۸]:

- ❖ سطوح پایین جرایم
- ❖ دستاورد آموزشی بالا
- ❖ ابقا در دانشگاه
- ❖ ابداع و تولید در مؤسسات مبتنی بر دانش به ویژه در ارتباط با آموزش مهندسی

آنان همچنین، دریافتند که بر اساس تئوریهای یادگیری اجتماعی، یادگیری دانشجویان باید در محیطهای اجتماعی متمرکز باشد تا بتواند مشتمل بر هنجارهای اجتماعی از قبیل اعتماد و رابطه متقابل باشد.

همچنین، تنوع در روشهای آموزشی موجب ارتقای سرمایه اجتماعی دانشجویان از قبیل یادگیری گروهی و یادگیری خدمات می‌شود.

جان فیلد در کتاب "سرمایه اجتماعی" به مطالعات متعدد دیگری در زمینه رابطه سرمایه

۳۴ پارادوکس سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان ایرانی: بررسی رابطه آموزش عالی و سرمایه اجتماعی در ایران

اجتماعی و آموزش اشاره کرده است که چکیده برخی از این مطالعات در کنار پژوهشهای دیگر در جدول ۲ درج شده است [۱۹].

جدول ۲: مطالعات خارجی

ردیف	پژوهشگر	خلاصه یافته‌ها
۱	کلمن و دیگران ۱۹۸۲، کلمن و هافر ۱۹۸۷	- کمتر بودن نرخ ترک تحصیل در مدارس کاتولیک در مقایسه با دانش آموزان مدارس غیر کاتولیک عمومی و خصوصی (اثر متغیر مستقل میزان حضور در مراسم دینی) - تحرک جغرافیایی موجب نابودی سرمایه اجتماعی خانواده می‌شود.
۲	هکمن و نیل ۱۹۹۸	- تأثیرات مثبت در مطالعات کلمن به سرمایه اجتماعی دانش آموزان محدود نمی‌شود، بلکه تا حدی ریشه در تصمیمات والدین دارد.
۳	دیکاوسینگ ۲۰۰۲	- بین دستاوردهای آموزشی و سرمایه اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد. - پیشرفت تحصیلی با سرمایه اجتماعی والدین مرتبط است. - بررسی ارتباط وجوه مختلف سرمایه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.
۴	استانتون سالازار و دورن بوش ۱۹۹۵	- مطالعه در بین دانش آموزان مکزیکی الاصل دبیرستانهای کالیفرنیا نشان داد که دانش آموزان با سرمایه اجتماعی بیشتر از نمرات و انگیزه‌های بالاتری برخوردار هستند. - نمرات دانش آموزان به تعداد و دامنه پیوندهای ضعیف‌شان بستگی دارد.
۵	لاگلو ۲۰۰۰	در پیمایش روی جوانان اسلو ارتباطی بین طبقه شغلی و سطوح سرمایه فرهنگی یافت نشد.
۶	پوردیو ۱۹۸۸	در کشور فرانسه استادان دانشگاه از سرمایه اجتماعی برای بهبود موقعیت نسبی‌شان در سلسله مراتب دانشگاهی استفاده می‌کنند.
۷	هداکس ۱۹۸۲	سطح مشارکت در آموزش میان کسانی که با بخشهای جدیدتر زندگی اجتماعی درگیر بوده‌اند و این مسئله آنها را با نخبگان محلی در تماس نگه می‌داشت، خیلی بالاتر است.

ادامه جدول ۲

۸	املرومک نامارا ۱۹۹۶	پیمایش در بین سه گروه از جوانان اسکاتلندی (دانشجویان تمام وقت، کارگران تمام وقت و افراد بیکار) گستردگی تماس اجتماعی دانشجویان تمام وقت را بر دو گروه دیگر نشان داد.
۹	گلنیزر و همکاران ۲۰۰۲	ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی به عنوان یکی از قوی‌ترین قواعد تجربی در ادبیات سرمایه اجتماعی تشریح شده است.
۱۰	براندا، مورفی و هالی، دالن ۲۰۰۲	افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، طی مدت بحران طوفان و آلودگی آب در والکرتون کانادا بیشتر از سایر افراد به دیگران کمک کردند و بیش از دیگر افراد مایل بودند در فعالیتهای جمعی مانند باشگاههای ورزشی شرکت کنند. [۲۰]
۱۱	هلیول و پاتنام ۱۹۹۹	- افزایش میانگین سطوح آموزشی اعتماد را بالا می‌برد. - نسبت آموزش تأثیر مثبت در ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی و اجتماعی دارد.
۱۲	فلیک و ویلیامسون ۲۰۰۵	وجود سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان مهندسی به صورت مثبت با سطوح پایین جرایم، دستاورد آموزشی بالا، ابقا در دانشگاه و ابداع و تولید بیشتر در مؤسسات مبتنی بر دانش مرتبط است.
۱۳	استانتون سالازار و دورن بوش ۲۰۰۴	عواملی چون دو زبانه بودن و سرمایه فرهنگی مشارکتی عوامل کلیدی در دسترس دانشجویان به منابع اطلاعات و منابع پایه محسوب می‌شود.
۱۴	روسین و هایلند ۲۰۰۳	بین سرمایه اجتماعی دانشجویان و مشارکت گروهی آنها رابطه مثبت وجود دارد.
۱۵	جولیا پریس ۱۹۹۹	مطالعه بین زنان متأهل و مسلمان مشغول به تحصیل در مراکز آموزش بزرگسالان در کشور انگلستان نشان داد که آنان از طریق شرکت در این آموزشها توانستند ساخت سرمایه اجتماعی موجود را ارتقا بخشند و قدرت روابط خود را که بر خودآگاهی آنها و حس اعتمادشان بر دیگران تأثیر می‌گذاشت، از نو بازسازی کنند.

۳.۳.۳. تحلیل و بررسی اولیه

عمده پژوهش‌های کاربردی سرمایه اجتماعی وجود رابطه مثبت و معنی دار بین متغیرهای عمده سرمایه اجتماعی با رشد تحصیلات و آموزش را تأیید می‌کند.

هرچند هکمن و نیل (۱۹۹۶) و دیکاووسینگ (۲۰۰۲) تلاش کرده اند تا یافته های کلمن را به نوعی تأویل کنند و احتمالات دیگری چون سرمایه اجتماعی والدین را عامل مؤثر بدانند [۱۹]، اما این انتقادات ضعیف از کار کلمن نتوانست ارزش مطالعه وی را زیر سؤال ببرد، زیرا یافته های وی با تحقیقات مکرر دیگر تأیید شده است؛ ضمن آنکه بخشی از سرمایه اجتماعی والدین نیز می تواند محصول آموزش و سطح تحصیلات آنها باشد.

۳.۳.۴. نگاهی به پژوهش‌های داخل کشور

در این بخش پژوهش‌ها و پیمایش‌هایی که در ده سال گذشته در خصوص سنجش سرمایه اجتماعی در کشور ایران انجام شده است، بیان می‌شود. آنچه مورد تأکید است، صرفاً آن قسمت از این مطالعات است که رابطه تحصیلات را با سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۱. پژوهش ملی «بررسی آگاهیها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران»

یکی از متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش ملی که در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است، نگرش ایرانیان به هموطنان خود است. در این پژوهش نگرش گروه افراد دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر و گروه افراد دارای تحصیلات ابتدایی و کمتر در زمینه‌های گوناگون از جمله نگرش به هموطنان خود مقایسه شده است. از آنجا که از متغیر نگرش به هموطنان به عنوان شاخصی برای میزان اعتماد به جامعه استفاده می‌شود، نتایج این مقایسه قابل تأمل است. این مطالعه نشان می‌دهد که درصد کسانی که هموطنان خود را زیاد راستگو می‌دانند، در بین عامه مردم ۳۲ درصد و در بین تحصیل‌کردگان ۱۰ درصد است. این شکاف نوعی کاهش اعتماد را میان تحصیل‌کردگان نشان می‌دهد. در سایر گزینه‌ها چون فعال بودن، تکرو بودن، تنبل بودن، پایبند بودن به اخلاق، متقلب بودن و خودخواه بودن هموطنان، گروه تحصیل‌کردگان نسبت به عامه مردم قضاوت منفی‌تری در باره هموطنان خود داشته‌اند [۲۱].

۲. پژوهش سید هادی مرجایی

این پژوهش که در باره بررسی سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاهها انجام شده است، نشان می‌دهد که در بسیاری از مؤلفه‌ها رابطه معنی دار و کاهش چشمگیری بین دانشجویان مقطع کاردانی و مقطع دکتری مشاهده می‌شود. برای مثال، میانگین مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان دانشجویان کاردانی ۱۸/۱۰ است که این میانگین در مقطع دکتری به ۴/۹۳ کاهش می‌یابد. همچنین، میانگین سرمایه فرهنگی در مقطع کاردانی ۸/۱۳ است که در مقطع دکتری این رقم به ۷/۷۵ کاهش یافته است [۲۲].

در این پژوهش یافته‌های به دست آمده از تحلیل میانگین مقیاسهای تحقیق در ارتباط با تعداد ترم تحصیلی نشان می‌دهد که از مجموع ۲۷ مقیاس سنجشی، پاسخگویان در ۱۳ مفهوم اندازه‌گیری شده دارای دیدگاه یکسان و همگنی بوده و در ۱۴ مفهوم نگرش آنها تفاوت معنی‌دار داشته است، به طوری که:

- ❖ دانشجویان ترم اول (۴۰/۷۶) بیشترین میزان مخاطرات شخصی و دانشجویان ترم نهم (۲۵/۸۰) کمترین میزان آن را داشته‌اند.
- ❖ دانشجویان ترم پنجم (۶۸/۸) بیشترین میزان ارزشهای اجتماعی و فرهنگی و دانشجویان ترم دهم (۶۳/۰۱) کمترین میزان آن را داشته‌اند.
- ❖ دانشجویان ترم هفتم (۴۱/۲۷) بیشترین میزان مخاطرات اقتصادی و اجتماعی و دانشجویان ترم نهم (۳۵/۶۷) کمترین میزان آن را داشته‌اند.
- ❖ دانشجویان ترم هفتم (۳/۴۶) بیشترین میزان عضویت در نهادهای مدنی و دانشجویان ترم نهم (۱/۵) کمترین میزان آن را داشته‌اند.
- ❖ دانشجویان ترم ششم (۹/۴۳) بیشترین میزان سرمایه فرهنگی و دانشجویان ترم سوم (۶/۸۵) کمترین میزان آن را داشته‌اند.

در مجموع، بررسی موارد معنی‌دار نشان می‌دهد که با افزایش تعداد ترم تحصیلی میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان کاهش می‌یابد [۲۲].

۳. تحلیل ثانویه عبیدی و گودرزی

عبیدی و گودرزی تحلیل ثانویه‌ای از سه نظر سنجی ملی انجام داده‌اند. این نظر سنجیها طی سالهای ۱۳۵۸، ۱۳۵۳ و ۱۳۷۴ توسط علی اسدی و منوچهر محسنی و همکارانشان صورت

گرفته است. در بخشی از این تحلیل ثانویه شکاف میان نخبگان و توده تحلیل شده است. در این قسمت نظرهای دو گروه مختلف تحصیلی با هم مقایسه شده است. همان گونه که در جداول زیر و صفحات بعد ملاحظه می شود، در بسیاری از مؤلفه‌هایی که به سرمایه اجتماعی مرتبط است، تحصیل کردگان جامعه ایران نمره کمتری گرفته‌اند [۲۳].

شرکت در انجمنها و گروهها به عنوان یک شیوه گذران اوقات فراغت

متغیرهای مقولات	دیپلم	کارشناسی ارشد	کارشناسی
تحصیلات	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳

این شاخص برای افراد دیپلم تا کارشناسی هیچ گونه بهبود و ارتقایی را نشان نمی دهد، در حالی که انتظار بر این است با افزایش تحصیلات این شاخص ارتقا پیدا کند.

	رادیو	تلویزیون	روزنامه	گفتگو
گروه مردم	۵۲	۱۱	۱	۳۰
گروه نخبه	۳۹	۴۶	۳۲	۵

تفاوت فاحش نخبگان با عامه مردم در مؤلفه «گفتگو» به عنوان یکی از معرفهای روابط رو در روی اجتماعی می تواند نشانه ضعف پیوندهای اجتماعی در این گروه تلقی شود.

میزان رضایت از محیط اجتماعی

راضی	ناراضی	
۴۹	۸	گروه مردم
۳۵	۱۶	گروه نخبه

میزان رضایت از محیط اجتماعی با اعتماد به محیط اجتماعی مرتبط است. از این رو، تفاوت در میزان رضایت نخبگان تحصیل کرده قابل مطالعه و بررسی است.

آمادگی و تمایل به مهاجرت به خارج از کشور

بلی	خیر	پیمایش ۱۳۷۴
۱۲	۸۶	گروه مردم
۲۷	۶۶	گروه نخبه

تمایل بیشتر به مهاجرت به خارج از کشور میان نخبگان گویای سست بودن پیوندهای اجتماعی این گروه در مقایسه با گروه عامه مردم است.

۴. پژوهش محمود شارع پور

در پژوهش محمود شارع پور که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «بررسی تجربی سرمایه اجتماعی در استان مازندران» با بهره‌گیری از نمونه ۵۹۹ خانوار در سطح شهرستانهای مختلف استان مازندران انجام شده است، در مؤلفه تحصیلات نتایج زیر حاصل شده است:

۱.۴. بین تحصیلات افراد با اعتماد به شبکه‌های غیررسمی (دوستان، اقوام و اعضای خانواده) رابطه‌ای وجود نداشته و همبستگی معنی دار نبوده است.

۲.۴. بین تحصیلات افراد با اعتماد اجتماعی (اعتماد به بیگانه) همبستگی از نوع منفی وجود داشته است؛ یعنی با افزایش تحصیلات میزان اعتماد به جامعه کم می‌شود، در حالی که در تحقیقات جهانی این همبستگی مثبت است.

۳.۴. بین سطح تحصیلات و اعتماد به نهادهای اجتماعی [مانند آموزش و پرورش، قوه قضائیه، قوه مقننه و...] همبستگی منفی معنی‌دار مشاهده شد؛ یعنی با افزایش تحصیلات میزان اعتماد به نهادها و سازمانها کم می‌شود [۲۴].

۵. پژوهش ناطق پور و فیروز آبادی

این مطالعه بر اساس اطلاعات ۱۷۵۹ نفر پاسخگو از ۲۲ منطقه شهر تهران انجام و سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران کاوش شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که:

۵.۱. سطح تحصیلات و آموزش با مشارکتهای غیررسمی همیارانه همبستگی معنادار ندارد.
۵.۲. سطح تحصیلات و آموزش با مشارکتهای غیررسمی خیریه‌ای و مذهبی رابطه معکوس دارد.

۵.۳. سطح تحصیلات و آموزش با سایر عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، آگاهی و توجه، مشارکت رسمی و سرمایه اجتماعی کل، همبستگی مستقیم معناداری دارد [۲۵].

بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که در عناصر بند ۳.۵. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهشهای مشابه همخوانی ندارد. اما در زمینه مشارکتهای غیررسمی کماکان با افزایش تحصیلات این شاخص رو به کاهش است یا تفاوت معناداری را نشان نداده است.

۶. پژوهش فاتحی دهقانی

فاتحی دهقانی در پایان نامه خود تأثیر سرمایه اجتماعی بر هویت اجتماعی دانشجویان در شهر تهران را سنجیده و نشان داده است که بین سرمایه اجتماعی دانشجویان با نحوه تعریف آنان از هویت خود همبستگی مثبت و معنادار بوده است، اما این همبستگی از نظر شدت ضعیف است. احتمال داده می‌شود که دلیل این امر کمبود ذخیره سرمایه اجتماعی دانشجویان باشد [۲۶].

۷. پژوهش (پایان نامه) ودادهیر

پژوهش ودادهیر نشان داد که میانگین هنجارمندی [یا افتدا به هنجارهای جامعه علمی] در بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همدیگر تفاوت معناداری ندارد. همچنین، بین سابقه حضور دانشجویان و هنجارمندی آنها رابطه‌ای وجود ندارد. از آنجا که بخش چشمگیری از هنجارهای جامعه علمی احساس تعلق به جامعه علمی در قالب پیوندها و شبکه‌ها و اعتماد به اجتماعات علمی بر می‌گردد، این شاخص می‌تواند به نوعی به سرمایه اجتماعی دانشجویان برگردد و معرف این باشد که تحصیلات بالاتر (مقطع دکتری در مقایسه با کارشناسی ارشد) نتوانسته است تغییری در مجموعه این شاخصها ایجاد کند [۲۷].

۸. پژوهش سوری و مهرگان

پژوهش سوری و مهرگان بیانگر رابطه مستقیم بین کاهش سرمایه اجتماعی در ایران و کاهش تشکیل سرمایه انسانی (تحصیلات و آموزش) در سالهای اخیر است [۲۸].

۹. پژوهش دهقان و غفاری

نتایج تحقیق دهقان و غفاری نشان می‌دهد که میزان و کیفیت مشارکت در نهادهای مشارکتی دانشجویی بالا نیست و میزان عملی مشارکت در این نهادها ضعیف است. ویژگی شخصیتی عامگرایی در میان افراد مورد مطالعه (۶۴۹ نفر دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی و علوم پزشکی ایران) حداکثر متوسط و بیگانگی اجتماعی نیز نسبتاً زیاد است [۲۹].

۱۰. پژوهش آزاد ارمکی و کمالی

آزاد ارمکی و کمالی نشان دادند که میزان اعتماد بر حسب انواع آن در میان افراد با تحصیلات تا سطح ابتدایی و پایگاههای پایین اقتصادی - اجتماعی بیشتر از دیگران است [۳۰].

۱۱. پژوهش قانعی راد و حسینی

در تحقیق قانعی راد و حسینی که در بین ۳۷۵ نفر از جوانان ۱۴ تا ۳۰ سال شهر تهران انجام شده است، رابطه بین تحصیلات و عضویت در تشکلهای غیردولتی جوانان مثبت بوده است،

بدین معنی که هرچه تحصیلات افراد بالاتر باشد، احتمال عضویت آنها در تشکلهای غیر دولتی نیز بیشتر است [۳۱].

۱۲. پژوهش ابوالفضل مرشدی

مرشدی در پژوهشی سرمایه اجتماعی دانشجویان عضو کانونهای فرهنگی و هنری را با عامه دانشجویان مقایسه کرده است. در این پژوهش سرمایه اجتماعی عامه دانشجویان در شاخصهای برون دانشگاهی و درون دانشگاهی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی و همیاری برون دانشگاهی کمتر از متوسط بوده است.

همچنین، دانشجویانی که در ترمهای بالاتر مشغول به تحصیل هستند [چه از عامه دانشجویان و چه از اعضای کانونها] سرمایه اجتماعی درون دانشگاهی و برون دانشگاهی بیشتری نسبت به دانشجویان ترمهای پایین تر ندارند. این یافته‌ها، یافته‌های قبلی به ویژه نتایج طرح سید هادی مرجایی را مجدداً تأیید می‌کند [۳۲].

۱۳. پژوهشهای شعبانلو، میرباقری و دوامی، ذاکر صالحی (تحقیقات در خصوص مهاجرت نخبگان)^۱ گرایش به مهاجرت در نخبگان معرف کاهش جاذبه‌های کشور مبدأ در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از جمله ضعف پیوندها و شبکه‌های پایدار حرفه‌ای و اجتماعی و فرهنگی و نیز کاهش اعتماد به دیگران و اعتماد به نهادهای حرفه‌ای و کاهش مشارکت اجتماعی است.

شعبانلو که تمایل به مهاجرت را در میان دانشجویان برجسته دانشگاه صنعتی شریف [با حجم نمونه ۳۵۰ نفر] سنجیده، گرایش به مهاجرت خارج از کشور را زیاد ارزیابی کرده است [۳۳].

در پژوهشهای مشابه میرباقری و دوامی بر اهمیت توسعه و نهادینه سازی شبکه مدیریت مشارکتی و مشارکت بیشتر نخبگان در تصمیمات [۳۴] و همچنین، در پژوهش ذاکر صالحی بر راهبرد ترمیم و بازسازی فضای اعتماد بین نخبگان، جامعه و دولت تأکید شده است [۳۵ و ۱].

۱. در ارتباط با موضوع مهاجرت نخبگان پژوهشهای متعددی در کشور به انجام رسیده که در اینجا صرفاً به چند مورد از آنها اشاره شده است.

جدول ۳: مطالعات داخل کشور

ردیف	پژوهشگر	سال	متغیر	خلاصه یافته‌ها
۱	دکتر منوچهر محسنی	۱۳۷۵	اعتماد	کاهش اعتماد تحصیل‌کردگان به جامعه در مقایسه با عامه مردم و داشتن قضاوت منفی‌تر نسبت به هموطنان خود
۲	سپهدادی‌مرجایی	۱۳۸۳	عضویت در نهادهای مدنی	با افزایش ترم تحصیلی دانشجویان، عضویت کاهش پیدا کرده است.
۳	عباس عبدی و محسن گودرزی	۱۳۷۸	شرکت در انجمنها و گروهها آمادگی و تمایل به مهاجرت به خارج از کشور	- این متغیر برای افراد در مقطع دیپلم تا کارشناسی هیچ گونه بهبود و ارتقایی نیافته است. - گروه نخبه بیش از دو برابر دیگران به مهاجرت تمایل نشان داده‌اند.
۴	دکتر محمود شارع‌پور	۱۳۸۳	اعتماد به شبکه‌های غیر رسمی اعتماد اجتماعی (اعتماد به بیگانه) اعتماد به نهادهای اجتماعی	- بین تحصیلات افراد و اعتماد به شبکه‌های غیررسمی رابطه‌ای وجود نداشته است. - بین تحصیلات با اعتماد اجتماعی همبستگی از نوع منفی وجود داشته است. - بین تحصیلات و اعتماد به نهادهای اجتماعی همبستگی منفی معنی‌دار مشاهده شد.
۵	دکتر ناطق پور و فیروز آبادی	۱۳۸۴	مشارکت اعتماد	- سطح تحصیلات و آموزش با مشارکتهای غیررسمی همبسته همبستگی معنادار ندارد و با مشارکت در امور خیریه رابطه معکوس دارد. این همبستگی در مشارکت رسمی مستقیم و معنادار است. - بین تحصیلات و اعتماد همبستگی معنادار وجود دارد.

ادامه جدول ۳

۶	دکتر فاتحی دهاقانی	۱۳۸۲	تعریف از هویت خود	بین سرمایه اجتماعی دانشجویان در شهر تهران با نحوه تعریف آنان از هویت خود همبستگی مثبت و معنادار وجود داشته است.
۷	دکتر ابوعلی ودادهیر	۱۳۷۷	هنجارهای جامعه علمی	با ارتقای سطح تحصیلات، هنجارمندی تفاوت معناداری پیدا نمی‌کند.
۸	دکتر سوری و دکتر مهرگان	۱۳۸۶	سرمایه اجتماعی	بین کاهش سرمایه اجتماعی در ایران و تشکیل سرمایه انسانی رابطه مستقیم وجود دارد.
۹	دکتر دهقان و دکتر غفاری	۱۳۸۴	مشارکت عامگرایی بیگانگی اجتماعی	- میزان و کیفیت مشارکت دانشجویان بالا نیست. - ویژگی عامگرایی در میان دانشجویان متوسط است. - بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان نسبتاً زیاد است.
۱۰	دکتر تقی آزاد ارمکی و کمالی	۱۳۸۳	اعتماد	میزان اعتماد برحسب انواع مختلف آن در میان افراد با تحصیلات پایین‌تر بیشتر از دیگران است.
۱۱	دکتر قانع‌ی راد و حسینی	۱۳۸۴	عضویت در تشکلهای غیردولتی	رابطه بین تحصیلات و این متغیر مثبت بوده است.
۱۲	ابوالفضل مرشدی	۱۳۸۷	روابط تشکلی، روابط غیرتشکلی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، همیاری درون گروهی	- سرمایه اجتماعی درون دانشگاهی عامه دانشجویان از حد متوسط تجاوز نمی‌کند (میانگین ۳/۹۶ از ۱۰) - شبکه روابط تشکلی درون دانشگاهی عامه دانشجویان بسیار ضعیف (۱/۴۲ از ۱۰) ارزیابی می‌شود.

<p>- شبکه روابط غیرتشکیلی درون دانشگاهی عامه دانشجویان کمتر از متوسط (۳/۷۵ از ۱۰) است. - اعتماد اجتماعی درون دانشگاهی - دانشجویان ضعیف (میانگین ۲/۷۲ از ۱۰) است. - اعتماد نهادی درون دانشگاهی عامه دانشجویان ضعیف (۳/۴۸ از ۱۰) ارزیابی شده است. - همیاری درون گروهی خوب (۷/۳۹) ارزیابی می‌شود. - سرمایه اجتماعی برون دانشگاهی دانشجویان در شاخصهای یاد شده نیز کمتر از متوسط (میانگین ۳/۹۶) بوده است.</p>				
<p>- بین دانشجویان نخبه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تمایل به مهاجرت زیاد است. - توسعه مشارکت نخبگان و بازسازی فضای آسیب خورده اعتماد بین نخبگان و جامعه و دولت اهمیت دارد.</p>	<p>اعتماد اجتماعی مشارکت اجتماعی تعلق به جامعه بومی</p>	<p>۱۳۸۰ ۱۳۸۱ ۱۳۸۶</p>	<p>شعبانلو، میرباقری و دوامی، ذاکر صالحی و ...</p>	<p>۱۳</p>

۴. تحلیل و بررسی اولیه

بررسی سیزده مورد از مطالعات داخل کشور نشان می‌دهد که بین افزایش تحصیلات و آموزش افراد و سرمایه اجتماعی آنان یا رابطه ای وجود ندارد یا این رابطه معکوس است. این نتیجه که در ده مورد از این پژوهشها تأیید شده است، بسیار در خور تأمل و بیانگر وجود شکافها و مشکلات عمده در قلمرو متغیرهای سرمایه اجتماعی در بین قشر نخبه و تحصیل کرده جامعه ایرانی است، امری که جامعه شناسان از آن به "فرسایش سرمایه اجتماعی" یاد می‌کنند.

یافته‌هایی که با سایر مطالعات همخوانی ندارند، نخست بخشی از یافته‌های پژوهش ناطق پور و فیروز آبادی است (بند ۳-۵) که البته، این مطالعه به شهر تهران محدود می‌شود. دیگری

پژوهش قانعی راد و حسینی است. جالب است که این پژوهش نیز در محدوده شهر تهران انجام گرفته است [نه در سطح ملی] و از این نظر با پژوهش اول هماهنگ است. از این رو، میزان تعمیم‌پذیری آنها به شهر تهران محدود خواهد بود. ضمن آنکه رابطه مثبت بین تحصیلات و عضویت در تشکلهای غیر دولتی جوانان ممکن است دلایل دیگری داشته باشد، مانند رابطه سن جوانی با احتمال دارا بودن تحصیلات دانشگاهی یا شروط خاص عضویت در این تشکلهای.

۵. فراتحلیل

همان‌گونه که در بررسی جداول ۲ و ۳ ملاحظه شد، بر خلاف تحقیقات جهانی افزایش تحصیلات در ایران بر میزان سرمایه اجتماعی ایرانیان تأثیر منفی دارد. این نظریه معنایی منحصر به فرد که از درون فراتحلیل حاضر به روشنی استخراج می‌شود معرف وضعیت متناقض گونه^۱ است. این ناسازه که دو روند متناقض را در ایران و جهان بازنمایی می‌کند، می‌تواند ریشه در احتمالات زیر داشته باشد. بدیهی است تبیین و اثبات دقیق این نظریه و پاسخهای احتمالی نیازمند پژوهشهای تجربی مستقلی است:

۱. تحصیل‌کردگان ایرانی دوران گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کنند. ویژگی این دوران این است که از سویی روابط و پیوندها و هنجارهای سنتی به تدریج حذف می‌شوند و از سوی دیگر، هنجارها و ارزشها و نظام ارتباطی مدرن نیز به خوبی جایگزین نشده است. در چنین شرایطی با نوعی رها شدگی و بی‌هنجاری و انومی مواجه‌ایم. کاهش سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان می‌تواند ناشی از زندگی در محیطی چنین آشفته باشد.
۲. اجتماع علمی^۲ در ایران شکل نگرفته است. شکل‌گیری اجتماع علمی محصول مناسبات منحصر به فردی است که حالت محلی^۳ دارد و به آسانی حاصل نمی‌شود. این مناسبات در پیوند با مجموعه‌های انسانی و تکنولوژیک خاص متولد می‌شود و قابل مشابه سازی در سایر محیطها نیست. در صورتی که اجتماع علمی در ایران شکل بگیرد، همراه خود مجموعه

1. Padoxical
2. Scientific Community
3. Local

متراکمی از پیوندها و شبکه‌ها را که محتوای تخصصی و علمی دارند به ارمغان می‌آورد و به افزایش سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان و متخصصان منجر می‌شود.

۳. در نظام آموزشی ما سطح جامعه‌پذیری علمی^۱ فراگیران پایین است. دانش‌آموزان و دانشجویان از طریق معلمان و استادان خود در یک مواجهه مستمر، طولانی و در رو می‌توانند هنجارهای علمی را نهادینه کنند. در برخی از دانشگاه‌های جهان مانند آکسفورد و کمبریج جامعه‌پذیری علمی هدف اصلی آموزش عالی شمرده می‌شود. از این رو، در الگوی آکسفرد (مرکب از آکسفورد و کمبریج) بر استقرار دانشجویان در کمپ و پردیس دانشگاه و فراگیری اصول اخلاق علمی تأکید فراوان می‌شود. جامعه‌پذیری علمی به همراه خود توسعه ارتباطات و پیوندها و افزایش اعتماد به نهادها را به دنبال دارد.

۴. در کشور ایران در نظام آموزشی به مقولات فرهنگی کمتر پرداخته شده است. در این نظام هرگاه مباحث فرهنگی مطرح شده، به تبلیغات^۲ اهمیت داده شده است. یک نظام فرهنگی کارآمد که از انسجام درونی و حمایت خانواده و اجتماع برخوردار باشد، از طریق رشد مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی و آموزش شیوه‌های مؤثر معاشرت می‌تواند ذخیره سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را بهبود بخشد.

۵. ضعف حرفه‌ای‌گرایی و کمبود فعالیتهای صنفی در بین قشر تحصیل‌کرده می‌تواند عامل فرسایش روابط و پیوندها، تحمیل انزوای اجتماعی و در نهایت، کاهش سرمایه اجتماعی آنان باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که تحصیل‌کردگان از حضور در اجتماعات و کانونهای مذهبی و خیریه استقبال نکرده [۲۳] و در مقابل، به خلق و توسعه اجتماعات و کانونهای مورد علاقه خود نیز سعی وافری نداشته‌اند. کاوش در علل ضعف حرفه‌ای‌گرایی و کشف دلایل آن نیازمند انجام دادن پژوهشهای مستقلی است.

۶. ممکن است کاهش سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان ناشی از بروز نوعی احساس غنا و بی‌نیازی از جامعه به موازات رشد توان علمی و تخصصی آنان باشد. این احساس که می‌تواند کاذب و خطرناک نیز باشد، در نهایت، به سندرم برج عاج نشینی و احساس برتری نسبت به

1. Scientific Socialization

2. Propaganda

عوام ختم می‌شود. این عارضه می‌تواند هم مؤلفه اعتماد و هم پیوندها و شبکه‌های اجتماعی را سست کند.

۷. دلیل و احتمال دیگر این است که وقتی آموزش نتواند به وجود آورنده قدرت و منزلت برای فرد باشد و او در ازای آن از جامعه پاداشی دریافت نکند، به تدریج موجب کاهش تأثیرگذاری این مؤلفه بر سرمایه اجتماعی می‌شود. افزایش نقش و جایگاه ثروت و روابط (پول و پارتی) در کسب منزلت و نیل به اشتغال مناسب در سالهای اخیر نیز گویای این است که حداقل در سطح ادراکی، احساس عدم حاکمیت شایسته سالاری میان نخبگان علمی وجود دارد. این امر کاهش اعتماد اجتماعی آنان را به همراه دارد.

۸. سنخ و فضای سرمایه اجتماعی در بین نخبگان علمی و تحصیل‌کردگان با عامه مردم تفاوت دارد، اما شاخصهای مطالعه در پژوهشهای مورد بررسی یکسان بوده است. برای مثال، یک فرد تحصیل‌کرده از نظر شاخص عضویت در هیئتهای مذهبی نمره پایینی کسب کرده است، اما در مقابل آن شاخص عضویت در انجمنهای علمی وجود نداشته است. از این رو، نمره کل سرمایه اجتماعی آنان کاهش را نشان می‌دهد.

۹. دلیل کاهش سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان ممکن است ناشی از تحصیلات نباشد! می‌توان با وسواس و احتیاط بیشتری سایر متغیرهای تأثیرگذار را واریسی و کنترل کرد. شاید احساس نوعی یأس، بدبینی و سرخوردگی یا عوامل سیاسی در این زمینه تأثیر کلیدی داشته باشد.

مطالعات مربوط به «علل مهاجرت نخبگان» در ایران نقش کلیدی چنین مؤلفه‌هایی را پررنگ‌تر و جدی‌تر می‌کند [۳۶، ۳۷، ۳۸].

۶. نتیجه گیری و پیشنهاد

هرچه مناسبات اجتماعی پیچیده‌تر می‌شود و ترکیب آن فزونی می‌یابد، قدرت سرمایه اجتماعی رو به کاهش و فرسایش می‌گذارد. رشد عامل تحصیلات، به ویژه تحصیلات دانشگاهی بالقوه، می‌تواند عامل مؤثری در افزایش ترکیب و پیچیدگی مناسبات اجتماعی باشد. در کشورهای بزرگ صنعتی و توسعه یافته تنوع و گونه‌گونی اشکال و تبلورهای سرمایه اجتماعی در قالب سازمانهای تخصصی و پیوندهای سست جایگزین توانسته است خلأ ناشی از این فرسایش را پر کند. در کشور ما نظام سیاستگذاری اجتماعی نتوانسته است باز تولید و

آفرینشهای جدیدی از مصادیق و تبلورهای سرمایه اجتماعی نخبگان و تحصیل کردگان را در قالب شبکه ها و پیوندهای جدید و جایگزین تضمین کند، لذا، با شکاف در خور تأمل در این زمینه مواجه ایم. حاصل این بررسی برجسته ساختن وجه مسئله زای (پروبلماتیک) سرمایه اجتماعی تحصیل کردگان و تلاش برای تبیین تئوریک و حل این ناسازه است؛ ناسازه ای که از درون نظریه معنایی استخراج شده از این فراتحلیل سر برآورده است.

به منظور پرکردن شکاف موجود و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی تحصیل کردگان دانشگاهی کشور پیگیری سیاستهای زیر توصیه می شود:

- بازسازی و ترمیم فضای اعتماد بین نخبگان، جامعه و دولت؛
- اصلاح نظام آموزش عالی کشور در جهت تقویت اجتماعات علمی و فرایندهای کار گروهی؛
- توسعه تعاملات اجتماعی و علمی و فرهنگی بین دانشجویان در قالب انجمنها و شبکه ها و بررسی علل ضعف اثربخشی فعالیتهای فوق برنامه؛
- تقویت بنیانهای حرفه ای گرایی و فعالیتهای صنفی گروهی در مراکز علمی؛
- رشد مهارتهای اجتماعی و ارتباطی دانشجویان؛
- ارتقای سطح جامعه پذیری علمی دانشجویان با همیاری استادان.

مراجع

۱. ذاکر صالحی، غلامرضا، دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی، انتشارات کویر، ۱۳۸۳.
۲. پاتنام، روبرت، **دمکراسی و سنت های مدنی**، ترجمه دلفروز، تهران: انتشارات سلام، ۱۳۸۰.
۳. احمدی، یعقوب، "سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دمکراسی"، **ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۲۶-۲۲۵، ۱۳۸۵.
۴. شعبانی ورکی، بختیار و نرگس آهنچیان، "رهبری دانشگاهی و سرمایه اجتماعی: رویکردی جامعه شناختی به مدیریت آموزش عالی"، **فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی**، دوره دوم، شماره ۳ و ۴، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۵.
5. www.worldbank.org
6. Nahapiet, J. Ghoshal, S., Social Capital, Intellectual Capital and the Organizational Advantage, **Academy of Management Review**, Vol. 23, No. 2, 1998.
7. الوانی، سید مهدی و میر علی سید نقوی، "سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها"، **فصلنامه مطالعات مدیریت**، شماره ۳۳ و ۳۴، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱.

8. Print, Murry, Coleman, David, Toward Understanding of Social Capital and Citizenship, **Cambiridge Journal of Education**, Vol. 33, Lssue 1, pp. 123, 2003.
۹. کلمن، جیمز، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری. تهران، نشرنی، ۱۳۷۷.
۱۰. شارع پور، محمود، "فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن"، **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳، ۱۳۸۰.
۱۱. دلاور، علی، **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، چاپ دوم، انتشارات رشد، ص. ۲۸۸، ۱۳۷۶.
12. Scherpenzeel, "The Validity and Reliability of Survey Question: A Meta_Analysis of MTMM Studies", **Sociological Methods and Research**. Vol. 25, No. 3. P. 347, 1997.
13. Helliwell, John. F. and Putnam, Robert.D. Education and Social Capital, **Eastern Economic Journal**, Vol. 33, No.1, 2007.
14. Grayson, Paul, j., Social Dynamics, University Experiences, and Graduates Job Outcomes, **British Journal of Sociology of Education**, Vol. 25, Issue 5, 2004.
15. Burnheim, Catherine, Education and Social Capital, Available at: www.mounash.edu, 2004.
16. Rossin, D. & Hyland, T., Group Work_Based Learning within Higher Education: An Intergral Ingredient for the Personal and Social Development of Students, **Mentoring & Tutoring**, Vol. 11, No. 2, 2003.
۱۷. مک نی، ایان، دانشگاه و اجتماعات علمی آن، گروه مترجمان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
18. Flick, Brown & Williamson, K., **Frontiers in Education**, FIE Apos, 05. Proceedings 35th Annual conference, 19-22 oct. 2005.
۱۹. فیلد، جان، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، انتشارات کویر، ۲۰۰۳.
۲۰. براندا، مورفی و دالن هالی، "مدیریت بحران و سرمایه‌های اجتماعی"، ترجمه حمیدرضا محمدی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، زمستان ۱۳۸۲.
۲۱. محسنی، منوچهر، **بررسی آگاهیها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۲. مرجائی، سید هادی، سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاهها، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳.
۲۳. عیدی، عباس و محسن گودرزی، **تحولات فرهنگی در ایران**، تهران، انتشارات روش، ۱۳۷۸.
۲۴. شارع پور، محمود، طرح پژوهشی «بررسی تجربی سرمایه اجتماعی در استان مازندران» دانشگاه مازندران، ۱۳۸۳.
۲۵. ناطق پور، محمدجواد و سید احمد فیروز آبادی، "سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران"، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ششم، شماره ۴، ۱۳۸۴.

۲۶. فاتحی دهقانی، ابوالقاسم، تأثیر سرمایه اجتماعی بر هویت اجتماعی دانشجویان در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
۲۷. ودادهیر، ابوعلی، بررسی عوامل دانشگاهی مؤثر بر پیروی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های ایران از هنجارها و ضد هنجارهای علم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۷۷.
۲۸. سوری، علی و نادر مهرگان، ۱۳۸۶، "نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی"، **فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی**، شماره، ۴۲.
۲۹. دهقان، علیرضا و غلامرضا غفاری، "تبیین مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران"، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره ششم، شماره ۱، ۱۳۸۴.
۳۰. آزاد ارمکی، تقی و افسانه کمالی، "اعتماد، اجتماع و جنسیت"، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۸۳.
۳۱. قانع راد، محمد امین و فریده حسینی، "ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی"، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره ششم، شماره ۳، ۱۳۸۴.
۳۲. مرشدی، ابوالفضل، **بررسی سرمایه اجتماعی در کانون‌های فرهنگی هنری دانشگاه‌های دولتی شهر تهران**، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (منتشر نشده)، ۱۳۸۷.
۳۳. شعبانلو، رحیم، بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۰.
۳۴. میرباقری، محمدحسین و پرویز دوامی، فرار مغزها (راهکارها)، **فصلنامه آموزش مهندسی ایران**، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۶. ایضاً رک: میرباقری، محمدحسین، سمیرا سید میرزا و دوامی پرویز، همان ماخذ، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۳.
۳۵. ذاکر صالحی، غلامرضا، "فرا تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان"، **مجله جامعه شناسی ایران**، دوره هشتم، شماره یک، بهار ۱۳۸۶.
۳۶. ذاکر صالحی، غلامرضا، **مهاجرت نخبگان**، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹.
۳۷. طایفی، علی، گزارش طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰.
۳۸. طلوع، ابوالقاسم، **فرار مغزها، جذب مغزها، گردش مغزها**، مرکز تحقیقات علمی کشور، ۱۳۷۹.

(دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۶/۲)

(پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۸/۲۷)